

تغییرات کارکردی یاسا در دو دوره "مغولان اولیه" و "ایلخانان"

رزگار برفروخت^۱

چکیده:

یکی از پنداشته‌های رایج درباره یاسا این است که این شبه نظام حقوقی صحراگردان مغول در فرایندهای زمانی مختلف قدرت‌گیری و تحکیم قدرت آنان کارکردهای یکسانی داشته است. بررسی منابع تاریخی چنین پنداشتی را به چالش می‌کشد. در این مقاله ضمن نقد چنین پنداشتی نشان داده می‌شود که دگرگونی‌های سیاسی و آنچه که می‌توان منطق موقعیتی نامید بر وجه کارکردی یاسا اثرگذاری فراوان داشته است. از این لحاظ می‌توان قائل به دو دوره بود: دوره مغولان اولیه که یاسا کارکردهای نظم‌بخشی و حفظ اقتدار مغولان را بر جوامع زیر سلطه داشت و در دوره ایلخانان که یاسا برای جامعه مغولی اهمیت می‌یابد و کارکردهای سیاسی، اداری و نظامی خود را پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی: یاسا، مغولان اولیه، ایلخانان اولیه، تغییرات کارکردی.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران

تا قرن هفتم هجری جوامع اسلامی همواره تحت سلطه حکومت های مسلمان بودند. حتی هجوم اقوام ترک از آسیای میانه اختلالی در تداوم حاکمیت های اسلامی ایجاد نمود. اما در قرن هفتم هجری و با هجوم مغولان جوامع مسلمان برای نخستین بار در معرض هجوم قبایل غیر مسلمان قرار گرفتند و به مدت بیش از یک قرن تحت سلطه آنان قرار گرفتند. این قبایل بسیار دیر در فرهنگ جوامع اسلامی ادغام شدند و همین امر باعث گردید آنان فرهنگ، باورها و نظام عقیدتی خود را برای مدت ها حفظ نمایند و این در واقع موجب نوعی تقابل ارزشی میان جامعه و حکومتگران شده بود. بخشی از این تقابل میان جامعه اسلامی و حکومتگران مغول در زمینه مسائل حقوقی بود. مغولان اگر چه سیستم حقوقی منسجم و نظام مندی نداشتند ولی تابع سنن و رسومی بودند که سخت به آنها پای بند بوده و خود را تابع آنها می شمردند. بخشی از این سنن و رسوم همراه با برخی فرمان ها و دستورالعمل ها که از سوی رهبر بزرگ مغولان یعنی چنگیزخان صادر شده بود در مجموعه ای به نام یاسا گرد هم آمده و شکل یک نوع قانون مدون مغولی را پیدا کرده بود. مغولان در میان خود و در برخورد با جوامع اسلامی متکی بر این قوانین بودند و آن قوانین در واقع یک شبه نظام حقوقی صحراگردان مغول بود.

می دانیم که درباره یاسا تحقیقات و بررسی های قابل توجهی صورت گرفته و بسیاری از جنبه ها و ابعاد این شبه نظام حقوقی بازکاوی شده است. بنا براین در مقاله پیش روی هدف بازگویی نتایج این بررسی ها نیست، بلکه پرداختن به یکی از جنبه های یاسا در زمینه اجرایی مقصود نظر می باشد. نگاهی به بررسی های انجام گرفته در زمینه یاسا نشان می دهد که بیشتر این تحقیقات متکی بر این فرض هستند که یاسا در بعد اجرایی همواره از کارکرد یکسانی برخوردار بوده است. حال آنکه منابع و داده های موجود در چالش با چنین پنداشتی هستند. در سطور آتی با بررسی منابع موجود نشان خواهیم داد که یاسا در بعد اجرایی در دو دوره مختلف کارکردهای متفاوتی داشته است.

کارکرد یاسا در دوران مغولان اولیه

قدیمی‌ترین و اولین اشاره منابع کلاسیک در مورد اجرای یاسا مربوط به دوره اکتای‌قان است. جوینی و رشیدالدین پس از ذکر حوادث دوره‌ی اکتای به ذکر چندین حکایت از اجرای یاسا در حوزه‌ی اجتماعی در این دوره می‌پردازند که سعی میشود به صورت خلاصه وار مجملی از آنها ارایه شود: نخست آنکه روزی اکتای و جغتایی از جایی حرکت می‌کردند و مشاهده می‌کنند که تازیکی در آب روان رفته و در رودخانه غسل می‌کند جغتایی خواست طبق بند یاسا: «که بروز در آب روان ننشینند» (جوینی، ۱۳۲۸/۲۲۷) آن فرد را بکشد اما اکتای با بهانه آوردن خستگی خودش اجازه این کار را نمی‌دهد و فرد خاطی را به زندان می‌برند و برای جلوگیری از خشم جغتایی - که در اجرای یاسا بسیار سختگیر بوده است - شبانه به حاجبان دستور می‌دهد که به فرد یاد دهند که بگویند که بالشی نقره که همه‌ی دارایی من است در آن مکان گم کرده‌ام و پی آن می‌گشتم و چند مأمور فرستادند تا در آن نهر بالشی نقره بیندازند. فردای آن روز یارغو تشکیل شد و «غدر مسموع چون بگوش قبول اصفا افتاد و اضباط را بدان جایگاه کس رفت و بالش را از آب بیرون آوردند قآن فرمود که کدام کس را در ضمیر تواند آمد که یاسا و حکم ما را بخلاف اندیشد و از آن سرمویی بگرداند اما او ضعیف حالی و کم مالی می‌نماید چنانکه خود را برای بالشی فدا کردست». (همان، صص ۱۶۳-۱۶۲)

در روایتی دیگر آمده است؛ روزی مسلمانی در بازار گوسفندی می‌خرد و به خانه می‌برد ترکی وی را دنبال می‌کند و از پشت بام خانه مسلمان، طریقه ذبح را نگاه می‌کند که به طریقه‌ی مسلمانان ذبح می‌کند و چون «در ابتدای کار و حال، یاسا داده بودند که هیچ کس گوسپند و دیگر حیوانات مأكول اللحم را حلق نبرند و برسم ایشان، سینه و شانه بشکافند» (فضل الله، ۱۳۳۸/۴۸۸) آن ترک خود را از پشت بام به خانه مسلمان می‌اندازد و مسلمان را گرفته به پیش قآن می‌برد. «چون صورت ماجرا عرضه داشتند، فرمود که این درویش یاسا را رعایت کرده و این ترک، ترک کرده، چه بر بام خانه او رفته، مسلمان به سلامت ماند و قپچاق را بیاسا رسانید.» (همانجا)

در حکایتی دیگر آورده‌اند که؛ روزی از ختایی بازیگران آمده بودند و نمایشی اجرا می‌کردند که در آن پیرمردی با دستار مسلمانی بوسیله‌ی اسبی کشیده می‌شد قآن از بازیگران می‌پرسد که «آن صورت کیست؟» و بازیگران اعلام کردند که نشانه‌ی بردگی مسلمانان است قآن ناراحت شده و می‌گوید «یاسای مبارک چنگیزخان باین معنی موافق افتاده، چه دیت خون مسلمانی چهل بالش زر فرموده و از آن ختایی دراز گوش، با چندین دلایل و براهین روشن، چگونه اهل اسلام را در معرض استخفاف توان آورد، واجبت شما را به جزای فعل رسانیدن». (همان، صص ۴۸۹-۴۸۸)

در روایتی دیگر بیان شده است که؛ از منکران دین اسلام تازی زبانی به نزد اکتای رفته و می‌گوید که چنگیز را در خواب دیده و گفته است که به اکتای بگو که مسلمانان را بکشد اکتای از آن شخص می‌پرسد چنگیز با چه زبانی با تو حرف زد فرد جواب می‌دهد به زبان مغولی فرمود: و تو زبان مغولی می‌دانی؟ گفت: نه پس «اشارت کرد تا او را هلاک کردند». (همان، ص ۴۸۹)

در حکایتی دیگر می‌خوانیم: مسلمانی از یکی از امرای ایغوری ۴ بالش نقره قرض می‌کند اما از ادای آن عاجز می‌شود. فرد ایغوری وی را مواخذه می‌کند و شرط می‌کند که یا به ترک مسلمان بپردازد و بت پرست شود یا به دلیل قرض ادا نکردن او را در بازار رسوا می‌کند فرد از وی سه روز وقت می‌خواهد و خود را به نزد اکتایی می‌رساند و جریان را برای قآن تعریف می‌کند اکتایی برای شخص طلبکار ۱۰۰ ضربه چوب و به مسلمان صد بالش نقره پرداخت کرد. (جوینی، ۱۳۲۸، ۱/ ۱۷۹) چرا که در یاسا آمده است «همه اقوام و مذاهب در دین خود آزادند و هیچ کس حق ندارد که با سخنان پرطمطراق مردم را مجبور به پذیرش آیین خاص گرداند.» (فضل الله، ۱۳۳۸، ۱/ ۴۹۷)

روایتی دیگر هم می‌گوید: شخصی که مبلغ ۵۰۰ بالش برای تجارت به رسم اورتاق از خزانه پول گرفته بود سه بار ورشکست می‌شود و چون در یاسا آمده است که «هر کس (بنا بر اعتبار) کالاهایی ستاند و ورشکست شود، اگر سه بار به این کار دست یازید و ناکام ماند باید به کیفر اعدام برسد» (رشیدو، ۱۳۶۸/ ۲۹۱) چون به یارغو او می‌پردازند مشخص می‌شود که پولها را به او باش داده تا بخورد اما او کتایی او را می‌بخشد. (جوینی، ۱۳۲۸، ۱/ ۱۷۹)

هر چند گزارش حیات اجتماعی و روزانه مردم در تاریخ نگاری کلاسیک ایران معمول نمی‌باشد و اکثر منابع به ذکر حوادث سیاسی پادشاهان و جنگها می‌پردازند اما در اینجا دیده می‌شود که جوینی و رشیدالدین برای پرداختن به اقدامات سخاوتمندانه و عدل اوکتای قاآن از حیات اجتماعی مردم این حکایت را می‌آورند هر چند خود جوینی قبل از نگاشتن این حکایت‌ها می‌نویسد که «و این مجملسیت از افعال او، همانا که مستمعان و مطالعان این تاریخ، این معانی را احسن الشعر اکذبه دانند تصدیق آن را بر سییل ایجاز مصون از عوارض بهتان و مجاز حکایتی چند که از آن استدلال تمام می‌توان گرفت ایراد می‌رود». (همان، ۱۶۱) در نگاه اول چنین می‌نماید که این مجموعه حکایات به عنوان ایجاز و نمونه‌هایی از آداب و رسوم مغولی که در جامعه اجرا می‌شده در کتاب خودش آورده است که «از آن استدلال تمام می‌توان گرفت». (همانجا) بنابراین در این دوره اجرای یاسا و اعمال آن در بعد اجتماعی برای مغلوبین امری مسلم بوده امرای مغول عدول نکردن از سنت‌های مغولی در حوزه اجتماعی و جلوگیری از نقض آشکار قوانین مغول توسط آحاد جامعه از خود حساسیت نشان می‌داده اند. چنانکه در دوره‌ی منگو نیز با جریانی مواجه می‌شویم که نشان دهنده‌ی اجرای یاسا در سطح جامعه می‌باشد. در هنگام بر تخت نشینی منگو بلابیتکچی با همدستی بیکلافتی و توکمیش بوتا و ساقون و ایدکاج تصمیم می‌گیرند که در روز جمعه مسلمانان بیش‌البالیغ را در نماز جمعه قتل عام کنند اما این خبر به گوش امیر سیف‌الدین می‌رسد و وی منگو را از جریان با خبر می‌کند. پس از یارغو داشتن متهمان منگو «فرمان رسانید تا ایدی قوت را با یاران او در موافقت ایلچیان با بیش‌البالیغ باز گردانیدند و هم روز جمعه که قصد مؤمنان در آن روز بود اندیشه‌ی عموم خلقان از موحدان و بت پرستان بصحرا حاضر آوردند و فرمان پادشاه ملک الرقاب برسانیدند. اوکنج برادر ایدقوت به دست خود سر او برداشت و دیگر یاران او ...بدو نیم زدند». (همان، ۳۸) چرا که طبق یاسا هیچ کس حق ندارد فرد یا افرادی را به دین یا آیین خاصی مجبور کند- از روایت‌ها و گزارش‌های تاریخی منقول از دوره‌ی اکتایی و منگو می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجرای یاسا و قوانین سنت مغولی در جامعه مسلمین توسط امرای نظامی و فرماندهان اجرا می‌شده است.

البته در این باره ذکر چند نکته لازم است: اولاً تا دوره‌ی برآمدن ایلخانان و تصرف مجدد ایران توسط مغولان دوره‌ای است که هنوز تسلط حاکمیت سیاسی بر سرزمینهای متصرفی به صورت کامل صورت نگرفته است و نوعی هرج و مرج و شورش در شهرها و بین امرا وجود داشته است با توجه به این که یکی از کارکردهای یاسا و حقوق مغولی ایجاد نظم نظامی در جامعه و سعی در به اطاعت درآوردن همه‌ی جامعه از طریق نظام حقوقی بوده است به نظر می‌رسد اجرای یاسا در بعد اجتماعی به این دلیل صورت گرفته باشد که حاکمیت از آن به عنوان اهرمی در جهت کنترل جامعه و برقرار کردن نظم نظامی استفاده کرده است. رشیدالدین در این باره می‌نویسد «چون قآن بر تخت نشست بیاسا مذکور جمله مدعیان را ساکت گردانید و بعد از آن بتمامت سرحدات و اطراف ممالک لشکرها جهت محافظت ثغور ولایات مذکور نامزد فرمود و در اطراف ایران زمین هنوز آشوب و فتنه تسکین نیافته بود». (فضل الله، ۱/۱۳۳۸، ۴۷۶)

ثانیاً از گزارش‌های تاریخی چنین دریافت می‌شود که اجرای یاسا در جامعه‌ی اسلامی به صورتی بوده که در جهت هر چه بیشتر شدن آرامش در سرزمین ایران و از بین بردن مشکلات پیش روی مغولان بوده باشد چرا که تا بر آمدن هولاکو، مغولان نتوانسته‌اند بصورت کامل تسلط خود را در سرزمین ایران به اثبات برسانند چنانکه در یکی از گزارش‌های تاریخی که جوینی از اکتای می‌آورد، دیده می‌شود که تأکید اکتای بر تحمیل نکردن یاسا بر مسلمین است و حتی از خود بندهای یاسا در جهت کم کردن تناقض بین مسلمین و مغولان استفاده می‌کرده است. مثلاً در جریان گزارش از آن شخص ترک قپچاقی که به جریان ذبح مسلمان پیش اوکتای می‌رود آن قسمت از ذبح که در یاسا آمده در نظر نمی‌گیرد بلکه فرد خاطی را به دلیل جاسوسی و فضولی کردن در امور مردم به یاسا می‌رساند که یکی از بندهای یاسا اعدام فرد جاسوس است و یا در جریان بلابیتکچی در دوره منگوخان از این بند یاسا که هیچ کس حق ندارد مردم را به آیین خاصی دعوت و یا طرد کند برای حفظ آرامش جامعه استفاده کرد. به نظر می‌رسد که مغولان اولیه بر این موضوع واقف بوده اند که برای نفوذ در جامعه‌ی ایرانی و تسلط بر آن لازم است که تفاوت‌های فرهنگی در جامعه مد نظر قرار گیرد و سعی در تحمیل یاسا بر جامعه‌ی ایرانی نکنند. خود انتخاب اوکتای به خانی توسط چنگیز به جای

جغتایی دلیلی بر این طرز فکر چنگیز داشته است. چرا که جغتایی در اجرای یاسا بسیار سختگیر بوده و «حشم او از بیم یاسا و سیاست او چنان مضبوط بودی که کسی در عهد او چندانک در جوار لشکر او بودی هیچ راه گذری را بطایه و پاس احتیاج نیفتادی و چنانک در مبالغت گویند طشت زر بر سر نهاده عورتی را تنها بیم و ترس نبود، و یاساهای باریک که بر امثال مردم تازیک تکلیف مالایطاق بودی دادی ... در خراسان مدتی گوسفند را کسی ظاهراً نکشت و مسلمانان را بر اکل مردار تکلیف می نمودند.» (جوینی، همان، ۱/ ۱۶)

«تعامل اکتای با زیردستان و حزم و دوراندیشی و گه گاه چشم پوشی از سنت و قانون مغولان عامل مهمی در انتخاب وی توسط چنگیزخان بوده است و این در حالی است که جغتایی که فرزند ارشد چنگیز بود و شخصیتی سازش ناپذیر و سختگیر و سنت پرست بود.» (بیانی، ۱۳۷۹ / ۶۵). چنگیزخان با درک این مسئله و با توجه به ضرورت برخورد توأم با تدبیر و سیاست برای تسلط بر جامعه‌ی مغلوبین حتی با زیر پا گذاشتن سنن قبیله‌ای فرزند ارشد را مأمور نظارت بر اجرای یاسا نمود و اکتای که کوچکتر بود به جانشینی برگزید. چنانکه در طبقات ناصری آمده است: «چون چنگیزخان را مزاج او، که بس قتال و ظلالم است، معلوم بود، او را وصیت، پادشاهی نکرد.» (جوزجانی، ۱۳۴۳، ۲ / ۱۵۲) بنابراین ضرورتها، نقش اساسی در اعمال و اجرای یاسا در جامعه‌ی اسلامی داشته است.

تا زمانی که مغولان هنوز حاکمیت سیاسی خود را بصورت کامل در جامعه‌ی اسلامی مسجل نساخته بودند قداست و حرمت یاسا برای آنها اساسی و ضروری می‌نموده است و حداقل در ظاهر و صورت قضایا و بصورت آشکار تخطی از اصول یاسا را بر نمی‌تافتند، چرا که یاسا را عاملی در جهت از بین بردن گردنکشان و شورشها می‌دانسته‌اند و این دوره از زمان مرگ چنگیز تا اواخر دوره منگو که سراسر ایران توسط هلاکو فتح شد ادامه داشته است. چنانکه در مأموریت هلاکو برای حمله به ایران منگو به وی دستور می‌دهد «و باید به یمن جلادت و ضربت شمشیر جهانگیری و کشورستانی، ازکنار جیحون تا اقصای ولایت مصر به تحت تصرف درآوردی و ملاحظه‌ی رسوم و یاسای چنگیزی نموده، و هر که به قدم اطاعت و فرمانداری پیش آید، او را رعایت

نمایی. «خواندمیر، ۱۳۳۳، ۳ / ۵۸۹» در این فرمان نگرانی خان مغول از تصرف سرزمینهای جدید و لزوم تمسک به سنتهای یاسا و چنگیزی را گوشزد می‌نماید. به نظر می‌رسد که از زمان برآمدن مغولان تا اواخر حکومت منگو «زمان کشورگشاییهاست ایجاد حکومتهای موقت در مناطق اشغالی بود. همه‌ی این موارد سبب می‌شد که دستگاه گرداننده فاقد سکون و آرامش لازم برای رویارویی و تطابق با تحولات جدید و متوالی و استقرار اصول و موازین تازه و یکدست در سراسر امپراطوری باشد.

بنابراین اجرای یاسا در بعد اجتماعی حداقل در ظاهر بنابر یکی از ضرورت‌های مورد نیاز مغولان صورت گرفته است. اما با فتح ایران توسط هلاکوخان و از بین بردن شورشها و اطمینان از تسلط سیاسی بر مناطق مفتوحه نحوه‌ی برخورد مغولان در جریان اجرا و اعمال یاسا تغییر می‌کند که می‌توان از آن به تغییر کارکردی یاسا تعبیر کرد و تغییر اجرای یاسا از حوزه‌ی اجتماعی به جریانات سیاسی و دربار و جهت نظم دهی به رفتارهای خاص مغولان و اغماض و چشم پوشی هرچه بیشتر مغولان در حساسیت به اجرای یاسا به وسیله‌ی مغلوبین در سطح اجتماعی بوده است. از بررسی منابع این دوره چنین دریافت می‌شود که اجرای یاسا در حوزه‌ی اجتماعی حذف شده یا حداقل در منابع گزارشی که نشان دهنده‌ی اجرای یاسا در بعد اجتماعی باشد دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد گزارشات منابع کلاسیک از به وجود آمدن تناقض و تضاد و چالش عملی در اجرای یاسا و جامعه‌ی مسلمین نیز مربوط به دوره‌ی قبل از شکل گیری حکومت ایلخانان بوده باشد چرا که به عنوان مثال جوینی که به ذکر گزارش‌های دوره‌ی اوکتای می‌پردازد می‌نویسد «در ابتدای حالت ایشان یاسا داده بودند که هیچ کس گوشتی تسمیه نکند و به رسم ایشان سینه شکافد» (جوینی، ۱۳۲۸، ۱ / ۱۶۳) به کار بردن کلمات «در ابتدای حالت» نشان دهنده‌ی آن است که قبلاً این بند از یاسا در جامعه اجرایی بوده است اما اکنون (در زمانی که جوینی به نگارش کتاب خود می‌پردازد) دیگر اجرا نمی‌شده است. علاوه بر آن توجه به نکته‌ای در بررسی منابع این دوره لازم می‌باشد؛ چون برای اولین بار بود که یک نظام حقوقی متفاوت که تحت حمایت حاکمیت سیاسی بود در سرزمین اسلامی اجرا می‌شده است و همچنین وحشت ایجاد شده در سراسر سرزمینهای اسلامی به واسطه‌ی موفقیت‌های خیره کننده مغولان بر اکثر

نیروها، سبب بزرگ نمایی و اغراق در برخی از منابع تاریخی این دوره گشته، چنانکه در طبقات ناصری و نفثه المصدور و تاریخ الکامل این بزرگنمایی‌ها در اجرای یاسا در بعد اجتماعی چون: ذبح، وضو، غسل، استفاده از کلاه مغولی و ... دیده می‌شود. بنابراین اجرای اجتماعی یاسا تا دوره منگو با حساسیت به لزوم اجرای یاسا توسط جامعه‌ی ایرانی وجود داشت که با روی کار آمدن منگو این حساسیت به کلی از بین رفت و یا حداقل منابع به آن اشاره‌ای نمی‌کنند. «چنانکه میر خواند تصریح می‌کند که در جشن جلوس منگو برای مهمانان مسلمان گوسفند را طبق شریعت اسلامی ذبح کردند» (تیموری، ۱۳۷۷، ص ۴۴۵) و همچنین «به موازات تساهل مذهبی منگو خواست هر منطقه‌ای طبق مرسوم محل اداره شود و بدین منظور در دبیرخانه در بار خان بزرگ دبیران و منشیان از هر کیش و ملیتی اعم از فارس، ایغوری، ختایی(چینی)، تبتی، تقوتی، استخدام شده بودند» (همان، ۴۴۷) از این دوره به بعد است که می‌توان به حضور دو نظام حقوقی موازی با هم در جامعه‌ی اسلامی - که خود نشان دهنده‌ی حذف اجرای یاسا در بعد اجتماعی باشد - اشاره نمود. در این بین کسانی که در تشکیلات دیوانی مغولان وارد شده بودند و برای بازگرداندن امور به دوره خوارزمشاهی و سلجوقی را تلاش میکردند نباید نادیده گرفت. چنانکه که اقدامات شمس الدین جوینی در جهت «بازسازی سازمانهای اداری ... و وضع دواوین ... به حالت قبل از دوران مغول بازگرداند، بخصوص از نفوذ عناصر بیگانه و قوانین «یاسا» در این تشکیلات تا حد امکان بکاهد» (بیانی، ۱۳۷۹، ۱۸۹) از این دوره به بعد بود که مغولان فقط در مشاغل سپاهیگری باقی ماندند.

در دوره ماقبل ایلخانی در هنگام تشکیل قوریلتای جهت انتخاب جانشینی خان یکی از مهمترین مؤلفه‌های مد نظر برای انتخاب خانیت، تسلط بر یاسا و مفاد آن می‌باشد چنانکه در هنگام بر تخت نشستن اکتایی وی اظهار می‌دارد «هر چند حکم چنگیزخان برین جملت نافذ شدست... اما الغ نوین [لقب باتو] پسر خردتر اردوی بزرگست و روز و شب و گاه و بیگاه ملازم خدمت او بوده و یاسا و رسوم دیده و شنیده و دانسته باشد با وجود حضور ایشان چگو به خانی نشینم». (جوینی، ۱۳۲۸، ۱ / صص ۱۴۶-۱۴۷). و یا در هنگام انتخاب منگو به خانی باتو پس از ذکر محاسن منگو به خانی اظهار می‌دارد

«ضبط چنین ملک بزرگی و تمشیت مثل این کار نازک آن کسی تواند بود... که یاسای چنگیزی خانی و رسوم قآنی دانسته و دیده باشد... که در اروغ چنگیرخانی منگو قآن است.» (جوینی، ۱۳۲۸، ۳ / ۱۹۰). اما با ورود هولاکو به معادلات قدرت در ایران اجرای یاسا شکلی دیگر به خود گرفت.

اجرای یاسا در دوره ایلخانان

از دوره‌ی ایلخانان در ایران اجرا و اعمال یاسا و سنن قبایل مغول تغییر کرد و ایلخانان از آن به عنوان اهرمی جهت رتق و فتق امور سیاسی، درباری، جنگ، تسلط بر اوضاع دیوان و دیوانسالاری مورد استفاده قرار دادند. و در جاهایی نیز که یاسا در بعد اجتماعی و یا قواعد خاص مغولی و لزوم اجرایی بودن آن در جامعه‌ی استفاده شد. بهانه‌ای جهت معادلات سیاسی یا حذف رقبیان سیاسی ایلخانان بود نه اعتقاد به اجرای یاسا در بعد اجتماعی بدیهی است الزام تغییر شکل اجرای یاسا از بعد اجتماعی به بعد سیاسی و درباری از مهمترین عوامل این تغییر بوده است. مهمترین کارکردهای یاسا در اجرای آن در دربار و مسایل سیاسی به شرح زیر می‌باشد:

الف) عاملی در جهت حمایت و حفظ شحنگان و دیوانسالاران:

یکی از کارکردهای یاسا در حوزه عمل و اجرا حمایت ایلخانان از دیوانسالاران و بر گماشتگان حکومتی از حسد و تهمت و افتراهایی بود که متوجه آنان بود. لازم به توضیح است که در این دوره نیز تشکیلات سیاسی مانند ادوار پیشین تاریخ ایران به دلیل نهادینه نشدن تشکیلات و وابسته بودن آن به شخص خان و صاحب قدرت، کسانی که در حوزه تشکیلات سیاسی کار می‌کردند دائماً در حال خطر رقابتهای سیاسی دربار بودند چنانکه به غیر از یک مورد همگی وزیران دوره ایلخانی طعمه‌ی این رقابت درباری گشتند. هر چند که خود ایلخانان برای جلوگیری از قدرتمندی بیش از حد وزیران خود نیز در برانداختن وزیران و صاحبان قدرت دخیل بودند اما در حوزه اجرا از بندهای یاسا گاهاً جهت حمایت از دیوانسالاران و شحنگان استفاده می‌کردند اینک چندین نمونه از اجرای یاسا برای حمایت از دیوانسالاران آورده می‌شود: در دوره‌ی اباقاخان به سال ۶۳۰، قرا بوغا و اسحاق ارمنی به قصد آزار عطاملک جوینی یک نفر بدوی را فریب داده و اجیر

کردند که بگویند عطاملک قصد پناهنده شدن به شام را دارد در نتیجه این اقدام قرا بوغا و اسحاق ارمنی، خانه‌ی عطاملک را در بغداد محاصره کردند و وی را به نزد خان فرستادند پس از یارغو داشتن مشخص شد که به عطاملک تهمت زده‌اند و «خان مغول بدوی و اسحاق را کشت و عطاملک کماکان به حکومت بغداد باقی گذاشت» (آشتیانی، ۲۰۱/۱۳۷۹)

نمونه‌ی دیگر نفاق و دشمنی قاضی صائن سمنانی و شیخ المشایخ محمود و سید قطب الدین و معین الدین غانجی با رشیدالدین و سعدالدین محمد ساوجی است که در زمان غازان به سال ۷۰۱ به دلیل اتهام وارد کردن به وزرا محکمه تشکیل شد و مشخص شد که چیزی جز رقابت آنان با وزیران نمی‌باشد و در نتیجه «قاضی صائن را به محکمه آوردند و به قتل رساندند و سید قطب الدین را نیز در پی او فرستادند و معین الدین را نیز بی‌بهره نگذاشتند، اما شیخ المشایخ محمود را بولغا خاتون شفاعت کرد و او از مرگ نجات یافت» (آیتی ۱۳۴۶/صص ۲۵۱-۲۵۰)

از جمله نمونه‌های دیگر اجرای یاسا برای تهمت زدن و به قتل رساندن افراد خاطی، برای حمایت از وزیران و کاربردستان به قتل رساندن: سید قطب الدین شیرازی و در زمان غازان (همانجا)، سید تاج الدین گور سرخی در زمان اولجایتو (معدن کن، ۱۳۷۵/۸۹)، جلال الدین سروستانی به دلیل اتهام وارد کردن به صدر جهان در دوره گیخاتو (آیتی، ۱۳۴۶/۱۶۳) به قتل رساندن سلطان شاه به دلیل بدی با خاندان وزیر در سال ۷۳۶ به دستور امیر شیخ حسن (ابرو، ۱۳۵۰/۱۹۹)، همچنین به قتل رساندن: حسین اسفا، حاجی حمزه، یحیی جاندار، خواجه علی و النکو بهادر به دلیل مخالفت با ملک اشرف در سال ۷۴۴ به دستور ملک اشرف (معدن کن، ۱۳۷۵/۲۲۴) بنابراین ایلخانان پس از روی آوردن به گسترش دیوانسالاری و سعی در هر چه بیشتر کردن تمرکز حکومت، و همزمان با آن و یکجانشینی توأم با اسلام آوردن آنان به بعد اجرای بندهایی از یاسا را چون (ممنوع بودن اتهام، دروغ‌گویی، جاسوسی) برای حمایت از تشکیلات سیاسی مستمسک قرار داده و سعی در استفاده از آن برای حمایت از وزیران و شحنگان بر گمارده حکومتی، کردند. با بررسی افرادی که با این هدف به قتل رسیده‌اند مشخص می‌گردد که اکثر آنان از دوره‌ی غازان به بعد بوده‌اند بنابراین درستی تحلیل فوق را به

اثبات می‌رساند. چرا از این دوره به بعد است که دیوانسالاری در سطح وسیعی مورد استفاده ایلخانان قرار گرفت. و قبل از آن سنن صحراگردی و رسومات استپ عامل رتق و فتق امور و حل مسایل ایران بود.

ب) استفاده از یاسا برای حفظ نظم نظامی و آماده نگه داشتن سپاه ایلخانان:

از بررسی‌هایی که در بخش دوم این پژوهش صورت گرفت مشخص شد که یکی از اهداف یاسا نظم و نظام دادن به سپاهیان مغول و استفاده از قدرت جنگندگی مغولان بود. ایلخانان با آگاهی از کارکرد یاسا در اجرای نظم نظامی سعی در استفاده از کاربرد یاسا در حوزه نظامی کردند با بررسی منابع بعد ایلخانی مشخص می‌شود که این کارکرد یاسا آنچنان تأثیرگذار بوده که حتی سالها پس از مغولان نیز همچنان اجرا می‌شده است و شاید بتوان ادعا کرد که یکی از کارکردها یاسا بود که حتی تا دوره تیمور نیز اجرا می‌شده است به عنوان نمونه در تزوکات تیموری آورده شده است که: «امر نمودم که چون ده نفر سپاهی اصیل کار کرده جمع آیند یکی از ایشان که به جوهر شجاعت و مردی مخصوص باشد بصلاح و رضاء آن نه نفر دیگر وی را بر ایشان امیر گردانند وی را اون باشی نام نهند. و چون ده اون باشی جمع شدند یکی از ایشان که بکارگذاری و کاردان آراسته باشد برایشان امیر گردانند و وی را یوزباشی نام نهند». (تربتی، -، ۱۳۴۲، ۲۲۸ /

با دقت در وضعیت سلسله مراتب مورد نظر تیموری نظم ده دهگی یاسای چنگیز به ذهن متبادر می‌شود. بنابراین مشخص می‌شود که این سلسله مراتب حتی پس از مغولان نیز کاربرد داشته است. ایلخانان با درک تأثیرات یاسا در جریان به نظم در آوردن سپاه به بهترین نحو از اجرای یاسا در حوزه نظامی استفاده کردند به عنوان نمونه یکی از بندهای یاسا کیفر دادن کسانی است که بی اجازه وارد لشکر شوند و باعث بی نظمی در آن گردند. در سال ۶۴۹ که ملک شمس الدین کرتی در تکناباد اردو زده بود پسر یکی از امرای مغول به نام اباجی بدون اجازه با دو سوار وارد اردوی ملک شمس الدین می‌شود و گفت «ای تازیکان». ملک شمس الدین پس از کنکاش در مورد وی می‌گوید « به کدام دل و زهره چنین گستاخ و بی حجاب به لشکرگاه ما درآمدی و از

شرایط یسون و یاساق پادشاه چنگیزخان غافل ماندی» (هروی ۱۳۸۳/۱۸۶) آنگاه بر طبق رسم مغول ۱۸ چوب بر وی زدند. و یا در جریان جنگ ابلستین در سال ۶۷۵ به دلیل تخلف در جریان جنگ «قاضی عزالدین ارموی، فخرالدین کوچکی و نورالدین پسر قراجه و زین الدین نبیره هود» (معصومه معدن کن، ۱۳۷۵ / ۹۹) به یاسا رسیدند. و همچنین اولجایتو در جریان شکست سپاه در جنگ گیلان در سال ۷۰۷ یارغو شکل داده و «مولای بامدکین، کولتای، سولامیش، مامتیفی را به تیغ یاسا رسانید» (همان، ۱۳۵-۱۳۳) همچنین به واسطه کوتاهی در اجرای تاکتیک‌های جنگ و ترک جبهه جنگ در دوره ی هلاکو اتابک تلکه به قتل رسید. (نظنزی، ۱۳۳۶ / ۴۳)

ج) حذف رقبای سیاسی و جلوگیری از طغیان:

به دلیل قداست خاصی که مغولان برای یاسا قائل بودند و به دلیل اطاعت همگی اعضای مغول از بندهای یاسا حاکمیت سیاسی عدم اجرای یاسا را بهانه‌ای برای حذف رقبای سیاسی خود و از بین بردن کسانی قرار داد که احتمال طغیان در آنها وجود داشت. بنابراین از یاسا و بندهای حقوقی آن به عنوان اهرمی در جهت مشروعیت بخشی به اقدامات خود علیه رقبای سیاسی می‌پرداخته‌اند. این قداست تا حدی بود که حتی با اسلام آوردن مغولان بعد از غازان خان در حیطه‌ی سیاسی و درباری یاسا کارکرد ویژه خود را همچنان حفظ کرد. از بررسی منابع مشخص می‌شود که ایلخانان ضمن اینکه طغیان و عدم اطاعت از خود را بر نمی‌تافتند بلکه حتی وابستگان کسانی که متهم تشخیص داده می‌شد را از بین می‌بردند. علاوه بر آن چنانکه ایلخانی با توسل به زور و جنگ به مقام خانیت می‌رسید معمولاً به تسویه سیاسی دست زده و کسانی که حتی احتمال طغیان در آنها وجود داشت از بین می‌برد و معمولاً یاسا بنا به دلایل ذکر شده بهترین حربه در دست آنان بود. با بررسی منابع این دوره مشخص می‌گردد که بیشترین موردی که مسبب اجرای یاسا و بهانه قرار دادن یاسا برای اجرا در دربار به قصد جلوگیری از طغیان و حذف رقبای سیاسی بوده است، تعدادی از ایلخانانی که با رقابت سیاسی و جنگ به خانیت رسیدند علت قیام خود را بر علیه خان پیشین چشم پوشی خان مخلوع از یاساها می‌دانند. مثلاً: در ۶۹۴ که بایدو بر تخت سلطنت در همدان

نشست علت برکناری گیخاتو را «چون گیخاتو از آداب کشورداری اعراض کرد و یاسای چنگیزخانی دگرگون ساخت به اتفاق برادران کوچک و بزرگ و خاتونان و امیران او را برداشتیم و خود عهده دار امور سلطنت شدیم». (آیتی، ۱۳۴۶/۱۷۲) همچنین ارغون علت لشکرکشی علیه احمد را این می‌داند که «او به قوانین ما احترام نگذاشته و آنها را فراموش کرده و اسلام پذیرفته» (مارکوپولو، ۱۳۶۳/۲۳۷). همچنین رقابت‌های سیاسی در دربار نیز به کرات گزارش شده که به بهانه زیر پا گذاشتن یاسا به حذف طرف مقابل منجر گشته به عنوان نمونه در جریان رقابت مجدالملک یزدی و جوینی در دوره احمد وی را به بهانه ارتباط با بایدو سحر و جادو دستگیر کرده و «یرلیغ احمد شد تا او را بخصمان سپارند تا او را به یاسا رسانند». (فضل الله، ۱۳۳۸، ۳/۱۷۱)

از نمونه‌های دیگر حذف رقیبان سیاسی به قتل رساندن رقیبان سیاسی درباری در هنگام مریضی ارغون بود، دشمنان سعدالدوله «سوگند خوردند و آغاز قصد اضرار خویش کردند ... سلطان ایداجی را با طایفه‌ی دیگر امرا گرفتند و در یارغو کشیدند... دیگر روز در خانه طغاجار، اوردوقیا و سعدالدوله را به یارغو درآوردند و هر دو را هلاک کردند» (معدن کن، ۱۳۷۵/۲۸-۲۷) بهانه‌ی مخالفان برای کشتن سعدالدوله دشمنی با مسلمانان بود در حالیکه طبق بند یاسا همه‌ی ادیان محترم و آزاد می‌باشند.

همچنین در دوره ارغون که حاسدان درباری بر بوقا خشم گرفتند و با اقدامات گوناگون سعی در کم کردن شأن او در نزد ارغون کردند در نتیجه التفات ارغون به وی کم شد و بوقا اقدام به تحریک یکی از امرا به نام جوشکاب برای بدست گرفتن حکومت ارغون پرداخت اما قضیه لو رفت و طبق این بند یاسا که «هرکس علیه خان و امرای خود خیانت کند به جزای مرگ می‌رسد وی را یاسا رسانیدند». (فضل الله، ۱۳۳۸، ۳/۲۱۴) البته طغیان کردن بر علیه خان و عدم وفاداری به خان مغول و ایلخانان به هیچ وجه برای آنان قابل تحمل نبوده و تعداد فراوانی از افراد، به این دلیل به یاسا رسیده اند. از بررسی کتاب «معصومه معدن کن» تحت عنوان «به یاسا رسیدگان عصر ایلخانی» مشخص می‌شود که «طغیان بر علیه خان» و «دلایل سیاسی» بیشترین آمار با یاسا رسیدگان را به خود اختصاص داده است که آوردن نمونه‌های فراوان آن سبب اطالهی کلام می‌شود. کسانی که از چشم ایلخانان می‌افتادند و یا احتمال طغیان و سرکشی در

آنها وجود داشت نه تنها خود بلکه وابستگان آنها نیز معدوم می‌شدند چنانکه در جریان به قتل رساندن امیر چوپان، شمس الدین جوینی، خواجه رشیدالدین فضل الله، خواجه سعدالدین وزیر(معدن کن، ۱۳۶/۱۳۷۵)، برکه اغول، بایدو، سید تاج الدین، هرقداق، خلیفه بغداد، تعداد زیادی افراد بی گناه به جرم وابستگی به آنها به قتل رسیدند.

در تحلیل کلی در مورد کارکرد یاسا در بین مغولان می‌توان قائل به این نتیجه‌گیری شد که تحولات سیاسی و ضرورت‌های زمانی تأثیر فراوان بر جنبه‌ی کارکردی آن داشته است تا زمانی که مغولان هنوز موفق نشده بودند که تسلط سیاسی همه جانبه بر مناطق مفتوحه داشته باشند برای ایجاد نظم نظامی در مناطق مفتوحه و حفظ وحشت ناشی از حمله مغولان در بین جوامع اسکان یافته در اجوای یاسا در حوزه‌های اجتماعی از خود حساسیت نشان می‌دادند و در صورت مشاهده تخطی از یاسا در بین جامعه ایرانی از خود واکنش نشان می‌دادند.

از بررسی حکایت‌های جوینی و رشیدالدین در دوره اکتای که در همین فصل مورد بررسی قرار گرفت معلوم می‌شود که این اصول در جامعه اجرا می‌شده است اما از اواخر دوره منگو که تصرف سیاسی و تسلط حاکمیت سیاسی در ایران شکل قطعی پیدا کرد مغولان نتوانستند به اجرا کردن یاسا در میان جامعه بپردازند بلکه اجرای آن و کارکرد آن مخصوص جوامع مغول مستقر در ایران شد و اجرای آن مختص جنبه‌های سیاسی و درباری و لشکری شد. به عنوان مثال در منطقه‌ی حکومتی هرات که شمس الدین کرتی زیر نفوذ و سلطه‌ی ایلخانان حکومت می‌کرد. به دو موضوع حقوقی بر می‌خوریم که جنبه‌های متفاوت کارکردی یاسا در حوزه نظامی و سیاسی و حذف آن در بعد اجتماعی کاملاً مشخص می‌شود.

وقتی که ملک شمس الدین کرتی به دلیل شرکت در جنگ عراق برای مدتی هرات را ترک کرده بود چون به هرات بازگشت فردی به نزد وی آمد و از مفتی شهر به نام جلال الدین غزنوی شکایت کرده که وی، زوجه‌اش را به رغم رضایت وی به عقد دیگری در آورده، ملک شمس الدین برای مشخص شدن موضوع «مولانا جلال الدین را طلب داشت و در حضور ائمه و اعیان هرات در تصمیم آن عقد تفحص تمام فرمود و آخر الامر به ثبوت پیوست که مولانا جلال، وکیل و گواهان و کاتب جهت مهر در آن عقد نکاح

نامشروع یکی بوده‌اند و از آن عورت ۳۰۲ مبلغ مال رشوت گرفته» (هروی، ۱۳۸۳/۳۲۴) بالاخره مفتی شهر را از دروازه شهر بیفکندند و گواهان را زندانی کردند. همچنان که دیده می‌شود در این مسئله اجتماعی شمس الدین کرتی بر طبق شریعت و احکام اسلامی و شرایط اسلامی آن نظر داشته است نه یاسا و یسون چنگیز خان. در حالی که در جریان ورود بی اجازه اباجی به لشکر که پیشتر در همین فصل اشاره شد ملک شمس الدین به یاسا چنگیز استناد کرده و فرد خاطی را تنبیه کرد.

البته موضوع لازم الاجرا نبودن مفاد یاسا برای عامه‌ی مردم از دوره‌ی ایلخانی به بعد به این معنا نیست که در بین خود جامعه‌ی مغولی یاسا جنبه‌ی اجرایی نداشته است بلکه از خلال گزارشات منابع دیده می‌شود که اصول یاسا که ریشه در ذهنیات و باورهای جمعی مغولان داشته در بین مغولان همچنان جنبه‌ی اجرایی داشته است چنانکه توتار اغول را در ۶۵۸ به جرم سحر و جادو به یاسا رسانیدند (معدن کن، ۱۳۷۵/۹۶) و یا طوغانجوق آغا را در دوره ارغون به اتهام سحر و جادو به قتل رساندند (آیتی، ۱۳۴۶/۱۴۶). و حتی در دوره غازان خان و ایلخانان مسلمان پیر یعقوب باغبانی را به اتمام غیب گویی از بالای کوه به زیر انداختند. (معدن کن، ۱۳۷۵/۱۵۴).

نتیجه گیری

داده ها و شواهد ارائه شده به خوبی نشانگر آن است که یاسا در بعد اجرایی دو مرحله متفاوت را پشت سر گذاشته است. مرحله نخست دوران مغولان اولیه است که کارکرد یاسا متأثر از ضرورت های زمانی می باشد. چنانکه گفته شد در این دوره هنوز تسلط مغولان بر سرزمینهای متصرفی به صورت کامل صورت نگرفته و نوعی هرج و مرج و شورش در شهرها و بین امرا وجود داشته است. با توجه به این که یکی از کارکردهای یاسا و حقوق مغولی ایجاد نظم بوده است به نظر می‌رسد اجرای یاسا در بعد اجتماعی به این دلیل صورت گرفته باشد که حاکمیت از آن به عنوان ابزاری در جهت کنترل جامعه و برقرار کردن نظم استفاده کرده است. چنانکه در گزارش‌های تاریخی نشان دادیم اجرای یاسا در جامعه‌ی اسلامی به صورتی بوده که در جهت هر چه بیشتر شدن آرامش در سرزمین ایران و از بین بردن مشکلات پیش روی مغولان بوده باشد چرا که تا بر

آمدن هولاکو، مغولان نتوانسته‌اند بصورت کامل تسلط خود را در سرزمین ایران به اثبات برسانند.

در مرحله دوم که مغولان در قالب حکومت ایلخانی به ایجاد دولت و اعمال سلطه بر ایران مبادرت می‌کنند کارکردهای یاسا در بعد اجرایی بیشتر معطوف به امر سیاسی می‌شود. ایلخانان از یاسا به عنوان ابزاری جهت رتق و فتق امور سیاسی، درباری، جنگ، تسلط بر اوضاع دیوان و دیوانسالاری مورد استفاده قرار دادند. و در جاهایی نیز که یاسا در بعد اجتماعی و یا قواعد خاص مغولی و لزوم اجرایی بودن آن در جامعه‌ی استفاده شد در واقع بهانه‌ای جهت معادلات سیاسی یا حذف رقیبان سیاسی ایلخانان بود نه اعتقاد به اجرای یاسا در بعد اجتماعی.

منابع

- ابرو، حافظ، ۱۳۵۰، ذیل جامع التواریخ رشیدی، باهتمام خان بابا بیانی، بی جا، نشر انجمن آثار ملی.
- اقبال، آشتیانی، عباس، ۱۳۷۹، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، چاپ هفتم، تهران، نشر امیرکبیر.
- آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۴۶، تحریر تاریخ و صاف، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بیانی، شیرین، ۱۳۷۹، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، ویراسته پروین ترکمن آذر، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، سمت.
- تربتی، ابوطالب، ۱۳۴۲، تزوکت تیموری، از روی چاپ ۱۷۷۳ آکسفورد، طهران، نشر کتابفروشی اسدی.
- تیموری، ابراهیم، ۱۳۷۷، امپراتوری مغول و ایران دوران فرمانروایی چنگیزخان و جانشینان او، تهران، نشر دانشگاه.
- جوزجانی، منهج السراج، ۳۱۳۴، طبقات ناصری، با مقدمه و تصحیح عبدالحی حبیبی، کابل، نشر انجمن تاریخ افغانستان.
- جوینی، محمد، ۱۳۲۸، تاریخ جهانگشای جوینی، به اهتمام علامه محمد قزوینی، چاپ دوم، تهران، نشر نقش قلم.

- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، ۱۳۳۳، حیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران، کتابفروشی خیام.
- رشیدوو، پی ن، ۱۳۶۸، سقوط بغداد و حکمروایی مغولان در عراق، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، مشهد، نشر انتشارات آستان قدس رضوی.
- فضل الله، رشید الدین، ۱۳۳۸، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، نشر اقبال.
- مارکوپولو، ۱۳۶۳، سفرنامه مارکوپولو، مترجمان سیدمنصور سجادی و آنجلا دی جوانی رومانوا، بی جا، نشر گرایشی.
- معصومه، معدن کن، ۱۳۷۵، یه یاسا رسیدگان عصر ایلخانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- نظری، معین الدین، ۱۳۳۶، منتخب التواریخ معینی، به تصحیح زان اوین، تهران، کتابفروشی خیام.
- هروی سیف بن محمد بن محمد ابن یعقوب، ۱۳۸۳، تاریخ نامه هرات، مصحح غلامرضا طباطبایی، تهران، انتشارات اساطیر.